

نامه ادبی ماهیانه

ارمغان

دی ماه  
۱۳۰۹ شمسی

دسامبر و انویه  
۱۹۳۰ مسیحی

مدیر و نگارنده وحید دستگردی

شماره دهم

سال یازدهم

(فریدن)

یادگار مسافرت بیست روزه در سال جاری ۱۳۰۹

(جغرافی)

بلوک فریدن در ناحیه غربی اصفهان بفاصله بیست فرسنگ واقع است . طول این بلوک بیست فرسنگ و عرض آن یازده و دارای دویست قریه و مزرعه است و به شش ناحیه ( ورزق ) ( گرجی ) ( تخماقلو ) ( چادگان ) ( چنارود ) ( موسی آباد ) منقسم میگردد .

ناحیه موسی آباد بر اثر ییلاق و قشلاق بختیاری بکلی بایر و خراب و در چنارود هنوز اثر مختصری از آبادی دیده میشود . هوای فریدن سرد و سالم و مشتمل است بر مراتع بسیار و چشمه سارهای بیشمار و مناظر طبیعی که با اندک توجه و امنیت با بهترین مراکز سرد سیری اروپا رقابت بلکه برتری خواهد کرد .

از جمله در ناحیه گرجی چشمه ایست بنام ( لنگان ) یا ( رنگان ) که تقریباً پانصد سنک آب از ارتفاع هزار ذرع بلکه بیشتر فرو میریزد . چشمه دیگری است در قسمت های خراب فریدن که از سر قله کوه قریب دویست سنک

آب بشکل قوسی فوران کرده از ارتفاع دو هزار ذرع از زمین میریزد . این دو آبشار عظیم بسبب نا امنی تا کنون مورد هیچ استفاده نبوده و نیستند تا بعد چه پیش آید .

### نفوس

بموجب احصائیه جدید تخمیناً بضمیمه پشت کوه جمعیت این بلوک صد و بیست و پنج هزار است مرکب از چهار نژاد ( فارسی ) و ( گرجی ) و ( ارمنی ) و ترک .

نژاد گرجی و ارمنی را شاه عباس کبیر از محل خود بدین مکان سوق داده است گرجیان که عدد آنان تقریباً بیست و پنج هزار است بمرور زمان اسلام اختیار کرده و دارای اخلاق ستوده هستند و لی ارمنه که نفوس آنان چارده هزار است و در بیست و پنج قریه زراعت میکنند بهمان حالت مسیحیت باقی و با اینکه باراننه جلفای اصفهان نزدیکند رایحه تمدن و علم بمشام آنان نرسیده است

نژاد ترک علی التحقیق معلوم نیست از چه زمان درین محل مسکن کرده و آنچه شنیده شد شاه اسمعیل صفوی پیدایش خدماتی که در جنگها این طایفه بدو کرده اند پس از بخشش املاک و قراء فراوان یک قسمت آنانرا در فریدن مسکن داده است .

### رتال جامع علوم خرابی

آثار و احوال شهادت میدهد که در زمان پیشینه یعنی قبل از صفویه این بلوک صد برابر امروز آباد بوده و پس از آن بسبب مجاورت ایل و نا امنی و غارت رو بخرابی گذاشته تا بحالت امروزی افتاده است . بعقیده عقلای فریدن و شهادت حس مادام که ایل بختیاری در اطراف این بلوک سیر میکنند روی آبادی و ترقی را نخواهد دید و هرگز کسی قادر نخواهد شد که در قراء و نواحی دوردست مشغول زراعت بشود .

### راه آبادی

راه آبادی فقط خانه نشین شدن ایل است تمام افراد ایل هر بهانه نشینی و زراعت راغب و مایل هستند و دولت میتواند در کمال سهولت چند نفرخان مفتخوار بنام ایلخانی و ایل بکی را از ایل خارج و بلوک موسی آباد و چناران را بین ایل تقسیم و رسوم خانه بدوشی و غارتگری را بکلی معدوم سازد

### رجال تاریخی

( مزدك )

مزدك معروف که در زمان قباد مسلك اشتراکی را تاسیس و انقلاب بزرگی در عالم ایجاد کرد که هنوز بر قرار است اهل فریدن بوده و هنوز يك مزرعه در قریه حیدر آباد فریدن بنام مزدك وجود دارد .

( کاوه آهنگر )

کاوه آهنگر نیز گویند اهل فریدنست و در فریدن دهیست موسوم بمشهد آهنگران که مسقط الراس کاوه یا دخمه وی در این ده بوده و لیکن هر چه در انجا تحقیق شد دلیلی بر این دعوی بدست نیامد و در تواریخ هم از این باب چیزی یافت نمیشود .

( ابو مسلم مروزی )

ابو مسلم ، شهیر بمروزی مسلم از اهل فریدن بوده است . مورخ شهیر جرجی زیدان مینکارد که ابو مسلم از نواحی اصفهان بوجود آمده . ابن خلکان نسب و مکان او را کاملاً شرح داده و چنین مینکارد : ( وکان ابوه من رستاق فریدین من قریه نسیمی سنجرد ) قریه سنجرد هنوز در فریدن وجود دارد و مطابق اصل فارسی خود سنگرد نامیده میشود و سکنه ان ارمنی هستند .

بعضی از مورخین او را اهل جی اصفهان دانسته اند چنانکه ابن خلکان

مینکارد : و یدعی اهل مدینه جی الاصبهانیه ان مولده بهالسخ

## شعرا

از اعصار قدیم بواسطه نبودن تاریخ شعرا اطلاعی در دست نیست و زحمت بسیار لازم است تا بتوان شعرای قدیم فریدن را گم و بیش پیدا کرد و از قرون اخیره چند نفر را هدایت در مجمع الفصحاء نام میبرد ولی شرح حال کامل و دیوان آنان در دست نیست مگر اهالی فریدن درین خصوص کنکاشی کرده و اگر دیوان و شرح حال آنانرا یافتند باداره ارمغان اطلاع دهند و اینک بحکم مالا بدرك کله لا یترك جمله بشرح حال و آثار این چند نفر بطریق اجمال اشارت میروود .

## اشراق فریدنی

میرزا عبدالرزاق خائف حاجی سید محمد فریدنی از شعرای متاخرین است

## و از اوست

از خدا برگشته انرا کارچندان سخت نیست سخت کار ما بود گز ما خدا برگشته است



چون شاخ خشک نی نمرستم نه سایه آتش بمن زیند که در خورد آتشم



شیدستم که وقتی اژدر او باریده بمن را همی بر بمن از این زلف اژدر سار میترسم

## پیشگاه علوم انسانی آتش فریدنی

در فریدن متوطن و در علوم حکم الهی و طبیعی و ریاضی و طب

شهرتی بسزا داشته ازوست

در گردن دیگری میبفکین دستی که بخون من خضابست



درین بهار بخود داده ام قرار دیگر که مست او فتر از باده تا بهار دیگر

## همایون فریدنی

از اولاد شیخ نبیل شیخ علی عبدالالاست در هجو دست قوی داشته

و عاقبت در جامه خواب کشته شده است

### ازواست

ماه صیام است و گاه ترك مدام است ترك مدام از برای ماه صیام است  
ساقی دوران شکسته ساغر مینا بر افق اینک نگون شکسته جام است  
پیر مغان آنکه گفت باده حلال است میکند را در بست و گفت حرام است  
رند خرابات جا گرفته بمسجد لبك چو آهوی وحشینی که بدامست

### در ذم اسب گوید

اسبی است مرمر که ز اسراف جوع آن فدر و بهار سانده بمشك و عبیر گاه  
همچون سك گرسنه سراسر درد شکر گر بگذرد بغفلتم اندر ضمیر گاه

### اوضاع و احوال

هیچ بلوکی در دوره هرچو مرچ باندازه فریدن مورد غارت و تاخت  
و تاز واقع نشده و تا این درجه از حقوق اجتماعی محروم نمانده است. درین  
بلوک با صد و پنجاه هزار جمعیت هنوز یک طبیب و یک مدرسه وجود ندارد  
خونسار و گلبایگان با پنجاه هزار جمعیت یک وکیل دارند با تمام دوائر دولتی  
ولی فریدن با صد و پنجاه هزار جمعیت تابع نجف آباد است که دوازده هزار  
جمعیت دارد و از عدلیه و تلگرافخانه و پستخانه هم بکلی محروم

### اخلاق

بزرگان فریدن همه دارای اخلاق ستوده ندیم ایرانی یعنی همه مهمان  
نواز و غریب دوست و دور از دورویی و نفاق و قواعد مردانگی و کرامت  
هنوز در آنجا منسوخ نشده است. با این رجال و اخلاق البته اگر دولت  
اندک توجهی باین بلوک مرعی دارد بزودی خرابیهای سیصد ساله ترمیم و آبادی  
خویش را از سر خواهد گرفت.

## اشعار مسافرت بیست روزه

در طول این مسافرت بیست روزه فقط دو قطعه بدو مناسبت منظوم گردید یکی در قریه چادگان بدین مناسبت که آقای حسینعلی خان مفخر السلطان که یکی از رجال معروف فریدن و اهل ذوق و دانش است در صدد تاسیس مریضخانه برآمده و یک مزرعه ملکی خود که در سابق موسوم به (لاپله) بوده و نکارنده اش خرم بهار نام گذاشت وقف مریضخانه کرده است روز هشتم شهریور ۱۳۰۹ از چادگان در صحبت وی بخرم بهار میرفتیم در راه این قطعه بیادگار مریضخانه منظوم و نسخه آن با آقای حسینعلی خان داده شد تادر لوح سذگی منقور و بر سردر مریضخانه منصوب دارند

## قطعه

باغ بهشت چون ده خرم بهار نیست سیم نهان بسنک زراشکار نیست  
از طرف گلمستانش دور است خار و خس بر دامن هواش نشسته غبار نیست  
چون باغ وی بکیتی شادی فزای نه چون راغ وی بهالم انده شکار نیست  
بس دور باش اب و هوای لطیف نغز اندوه و درد را بفضایش گذار نیست  
از حضرت مفخر اینال لو بدهر بس یادکار هست و چنین یادکار نیست  
این مزرعه بوژه بیمار خانه گرد زرعی چنین بمزرعه روزگار نیست  
زین کار نیک زنده جاوید شد بای جز نام نیک زندگی پایدار نیست  
از کاخ بر کشیده و گنج فرو شده نام و نشان برای کسی بر قرار نیست  
گردار نیک کالبد جان باک دان بر اب و خاک و بادو هوا اعتبار نیست  
سر مشق خوابست و حید این ستوده مرد پوشیده چهر این سخن از هوشیار نیست

## قطعه دیگر در (باغ صفا) ساخته شد

باغ صفا حوالی قریه داران در دامنه کوهی تنظیم واقم و متعلق است به اقا سید عباس مصطفوی .

اقا سید عباس مصطفوی در محاسن اخلاق و مکارم شیم افراط کرده و از جماعه خانه وی همیشه یک مهمانخانه مجانی عمومی است

هر که خواهد کویا و هر که خواهد گو بر و گیر و دار و حاجب در بان در این درگاه نیست نیز بواسطه سمت روحانیت حقیقی که دارد قطع و فصل دعاوی و امورات بطریق مرضی الطرفین در تمام فریدن با و راجع است و اهالی از تمام طبقات بدو معتقد و هرگاه فریدن ضمیمه بلوکات دیگر نبود وکیل حق و سزاوار همیشگی فریدن این مرد بزرگ بود چنانچه برای انجمن ولایتی اصفهان چند دوره انتخاب و همواره با کمال صمیمیت حقوق اهالی فریدن و سایر موکلین خود را پاس میداشت .

روز شانزدهم شهر یور ۱۳۰۹ در باغ صفا مهمان ری بودم و در توصیف باغ و صاحب باغ این قطعه منظوم گردید

### قطعه

صفای مصطفوی دستیار باغ صفاست	که رشک قبه خضرا بساحت غبراست
زاب و سبزه و از میوه‌های نغز امروز	بنقد بیش ز فردوس نسبه فرداست
گزیده جای بکوهی بلند کز رفعت	غزال چرخ بدامان سبزه‌اش بچراست
شکوه چشمه او چشم چشمه تسنیم	طراز سبزه او رشک گنبد خضراست
نهال سرو و صنوبر نشسته بر لب جوی	درخت بید موله ستاده بر سر پاست
بچاه غنغب سبیش هزار یوسف مصر	نگون دلست و نکون خود ز شاخ دلواست
چو زلف لیلی کیسوی بید مجنونش	بدست شانه عنبر فشان باد صباست
فراز شاخه سر سبز سرخ شفتالو	... شاهد گل پیکر سمن سیماست
پی بقای کلابی و سیب و انگورش	هزار دست کشیده چار بهر دعاست
شبیبه گنبد خضراست سبز بوته رز	کزان هزار ثریا نگون بسوی ثریست
کجا شنیده و دیده است کس چنین انگور	که نیم خوشه ان صد صراحی صباست
صفای باغ صفا بس شگرف نیست وحید	صفای مصطفوی دستیار باغ صفاست

امید است دولت باین بلوک سرد سیری محصول خیز عطف  
توجهی کرده لا اقل چند مدرسه و مریض خانه دو مراکز مختلفه تاسیس  
سازد